

صور خیال در غزل‌های امیری فیروز کوهی (امیر)

سحر صالحی ابرقویی

زبان و ادبیات



آمد. منزل آن‌ها آن زمان در خیابان سوم اسفند بود. هنوز چند ماهی از آمدنشان به تهران نگذشته بود که پدر در کمال قدرت و جوانی ناگهان به مرض حصبه مبتلا شد و علی‌رغم اهتمام پزشکان شهر، در سنی بین سی تا سی و پنج سالگی به جهان باقی شتافت.

وی در مدارس مختلفی از جمله سیروس، ثروت، آلیانس، سلطانی و سپس کالج آمریکایی به تحصیل دانش پرداخته است.

امیر فیروز کوهی در همان اوایل بلوغ بود که خارخار شعر و ذوق ادبی را در خود احساس کرد و چسسته گریخته مصراع‌ی و بیتی در قالب رباعی به زبان می‌آورد تا اولین غزل خود را که غزلی سیاسی و بحران عواطف مردم نسبت به غوغای تغییر سلطنت و بحران عواطف مردم نسبت به اوضاع مملکت بود، به طرح و اقتراح روزنامه نسیم صبا به مدیریت مرحوم کوهی کرمانی، سرود و برای درج به آن روزنامه فرستاد.

به سال ۱۳۰۸ شمسی در سن بیست سالگی، بعد از ترک کتاب و مدرسه، به دستور مرحوم چراغ‌علی خان پهلونژاد (امیر اکرم)، با گذراندن دوره اول کلاس ثبت به عضویت سازمان ثبت اسناد و مدارک درآمد.

امیر اکرم، با معرفی دختر برادرزاده نامادری امیر، به مادرش، برای او خواستگاری کرد که در سال ۱۳۰۹

سید کریم، امیری فیروز کوهی، متخلص به امیر، مشهور به امیری فیروز کوهی، فرزند سید مصطفی قلی، معروف به امیر عبدالله سوم در سال ۱۲۸۸ ه.ش. در دهکده فرح آباد فیروزکوه (دهاتی کوچک واقع در جنوب غربی فیروزکوه در مسیر خط آهن شمال) پا به عرصه وجود نهاد.

نسبت خاندان او تا خود شاعر، از سوی مادر، به سی و چند واسطه به امام عالی‌مقام حضرت سیدالسادین علی بن حسین صلوات‌الله علیه، طبق مشجره خانوادگی

می‌رسد و بدین جهت مشهور به «خاندان امیر» است که اکثر افراد این خاندان از امرای سپاه و سران لشکر پادشاه بودند و نام بیشتر آنان لفظ امیر داشت: «همه‌ی قبیله من از سپاهیان بودند». البته به گفته خود او، تخلصش در ابتدا «امیری» بوده است ولی هنگام چاپ دومین اثرش حروفچین مطبوعه در فهرست مجله به اشتباه «امیری» را «امیر» چیده و به چاپ رسانیده است. همین اشتباه مورد پسند او قرار گرفته و تغییر تخلص از امیری به امیر همچنان باقی و برقرار است.

امیر، در هفت سالگی به اتفاق پدر از فرح آباد به تهران

نسبت خاندان او تا خود شاعر، از سوی مادر، به سی و چند واسطه به امام عالی‌مقام حضرت سیدالسادین علی بن حسین صلوات‌الله علیه، طبق مشجره خانوادگی می‌رسد.

شمسی از دواج کردند.

حاصل ازدواجش چهار فرزند است؛ سه دختر و یک پسر، که بزرگترین آن‌ها امیر بانو امیری مصفا، همسر شاعر و ادیب گرانمایه نامدار، آقای دکتر مظاهر مصفا و دارای درجه دکتری در ادبیات فارسی است.

از آثار او به نثر، حواشی و تعلیقات بسیاری بر کتب کلامی و فلسفی و متون رجالی و ادبی، ترجمه کتاب «نفس المهموم» از علامه محدث، محقق قمی رحمه الله علیه، ترجمه مکاتیب نهج البلاغه و نیز مقالات تحقیقی ادبی و لغوی و شعری در اکثر جراید و مجلات تهران بود.

دیوان اشعارش شامل غزلیات، قصاید، مثنوی، قطعه، مستزاد و مسقط به زبان فارسی و برخی اشعارش به زبان عربی است. این دیوان به کوشش دخترش، دکتر امیربانو (مصفا) در هزار صفحه به قطع وزیری سال ۱۳۵۴ شمسی در تهران چاپ و منتشر شده است. دیگر، منظومه «عفاف نامه» است که طبع شده و اثر دیگرش «حقایق الحق» درباره شعرای عصر صفوی و دفاع از سبک هندی هنوز به چاپ نرسیده است. امیر از شعرای غزل‌سرای بنام معاصر است که به فارسی و عربی شعر می‌سروده و بعضی از اشعار عربی او در روزنامه اقدام چاپ و منتشر شده‌اند.

غزل‌های عاشقانه وی شهرت بسیار دارند و مهمترین غزلیش «رشته اشک» نام دارد. از بهترین تراوشات طبع او، که خود امیری آن را بیش از منظومه‌های دیگرش می‌پسندید، منظومه «ای خواب» است. آن منظومه شامل هشتاد و پنج دو بیتی است.

امیری فیروزکوهی - بر مبنای دیدگاه شخصی و تحقیقات انجام شده - فعالیت ذهنی خود را در میدان مکتب رئالیسم (Realism) یا واقع‌گرای جولان داده است.

در دیوان امیری، مخصوصاً در غزلیات وی، زندگی اجتماعی روزمره، دردها و غم‌های موجود همراه با عشق و زندگی دنیوی را به خوبی احساس می‌کنیم.

او به خاطر بیماری‌های فراوانی که در طول زندگی‌اش با آن‌ها دست به گریبان بود از کلمات: آرزو، باده، شمع، آه غریبانه، عمر فانی، خزان پیری و... بسیار استفاده کرده است.

امیری فیروزکوهی، نوزدهم مهرماه ۱۳۶۳ هـ. ش. در سن هفتاد و پنج سالگی، چهره در نقاب خاک کشید و در صحن امامزاده طاهر شهرری به خاک سپرده شد.

صور خیال در کلام شاعر

خیال را در همه تعاریف قدیم و جدید آن عنصر اصلی شعر شمرده‌اند.

امیری نیز همانند دیگر شاعران معاصر و پیش از خود و چه بسا پیش از دیگران از صور خیال بهره جسته است. اینک به ذکر نمونه‌هایی در ابیات شاعر اشاره می‌کنیم:

تشبیه

امیر! هشدار که نفس طامع به کسوت عقل از در در آید

اگر شناسایش ز خود برانش که کم‌شناسد کس این گذارا

(غزل ۲)

در این بیت، شاعر عقل را به لباسی تشبیه کرده که بر نفس طمع‌کار انسان پوشانده شده است.

نشان عبرتی می‌جویم از آبادی دنیا

از آن چون سایه عبرت به هر ویرانه می‌گردم

(غزل ۴۹۵)

شاعر خود را به سایه عبرتی تشبیه کرده است که در ویرانه‌ها در گردش است.

حوزه عمومی تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن مشبیه و مشبیه به چهار حالت دارد که این گونه تشبیهات در غزلیات امیری فیروزکوهی، گاه جهت تعالی مشبیه و گاه برای تبیین و توضیح آن به کار گرفته شده است. مانند: گرچه چشمی نگرانم به سراپا چو حباب باز هم در نفسی خانه خراب است مرا

(غزل ۲۰)

باز مشبیه، خود شاعر و مشبیه به، چشم نگران و حباب است که هر دو مشبیه به حسی است. در ضمن از نظر تعدد مشبیه‌به و تنها بودن مشبیه، تشبیه جمع است و در تشبیه شاعر به چشم نگران، تشبیه بلیغ وجود دارد.

شباب عمر به دانش گذشت و شیب به جهل

کتاب عمر مرا فصل و باب پیش و پس است

(غزل ۹۱)

مشبه در این بیت عمر است و مشبه به، کتاب.

در غزلیات امیری فیروزکوهی طیف وسیعی از تشبیهات را تشبیهات معقول به محسوس تشکیل می‌دهد. در این تشبیهات که بیشتر به صورت اضافی‌اند، کلمه دوم، مشبیه و اغلب معقول و کلمه اول، مشبیه به و محسوس است. شواهد چنین‌اند:

رفتن قافله‌ی عمر چنان متصل است

که دگر گوش بر آواز جرس نیست مرا

(غزل ۲۷)

زال دنیا پرده از رخسار زشت خود گرفت

تا گرفت از پیش چشم پرده پندار را

از آنجا که امیری در تشبیهات خود، بنا را بر محسوس ساختن حالات و عواطف روحی گذارده از تشبیه حسی به عقلی بسیار کم استفاده کرده است. مانند:

روز و شب بر من چو عمری بر جمادی بگذرد

چون جماد است آن که عمرش بی‌مرادی بگذرد

(غزل ۴۷۸)

روز و شب، و عمر در این بیت به ترتیب مشبیه و مشبیه‌به‌اند. در این تشبیه علاوه بر تشبیه حسی به عقلی، از نظر تعدد مشبیه و تنها بودن مشبیه به، تشبیه تسویه وجود

اولین غزل خود را که غزلی سیاسی و باب موضوعات روز در غوغای تغییر سلطنت و بحران عواطف مردم نسبت به اوضاع مملکت بود، به طرح و اقتراح روزنامه نسیم صبا به مدیریت مرحوم کوهی کرمانی، سرود و برای درج به آن روزنامه فرستاد.

از آثار او به نثر، حواشی و تعلیقات بسیاری بر کتب کلامی و فلسفی و متون رجالی و ادبی، ترجمه کتاب «نفس المهموم» از علامه محدث، محقق قمی رحمه الله علیه، ترجمه مکاتیب نهج البلاغه و نیز مقالات تحقیقی ادبی و لغوی و شعری در اکثر جراید و مجلات تهران بود.



امیری فیروز کوهی - بر مبنای دیدگاه شخصی و تحقیقات انجام شده - فعالیت ذهنی خود را در میدان مکتب رئالیسم (Realism) یا واقع گرایی جولان داده است.



در غزلیات امیری فیروز کوهی طیف وسیعی از تشبیهات را تشبیهات معقول به محسوس تشکیل می دهد. در این تشبیهات که بیشتر به صورت اضافی اند، کلمه دوم، مشبه و اغلب معقول و کلمه اول، مشبه به و محسوس است.

دارد.

در غزلیات امیری همانند تشبیه حسی به عقلی، تشبیه عقلی به عقلی اندک است، مانند:

در برزخ وجود و عدم مانده ایم ما چون حرفی از کلام به خاطر نیامده

(غزل ۴۲۵)

در این بیت مشبه، وجود/عدم، و مشبه به، برزخ است

زندگی بی خواهش دل، مرگ بی آسایش است
مرگ بی آسایش دل، زندگی بی خواهش است

(غزل ۹۲)

مشبه در این بیت زندگی و مشبه به، مرگ است. طرفین تشبیه گاه مفرد و گاه مرکب است. در غزلیات امیری فیروز کوهی تعداد ابیاتی که تشبیه مفرد به مفرد در آن موجود باشد بیشتر از موارد دیگر است. مانند:

از باد خزان در دلم اندیشه از آن است
کز جنبش بادی گل اندیشه خزان است

(غزل ۹۵)

مشبه: اندیشه و مشبه به: گل، نمونه ای از تشبیه مفرد به مفردند.

در غزلیات امیری فیروز کوهی، بر اساس تحقیقات انجام شده تشبیه مفرد به مرکب بسیار اندک است. مانند:

آفتاب بر لب بام است عمر دل امیر
جلوه ای او جز به مقدار زوالی بیش نیست

(غزل ۱۲۲)

در آن مشبه، عمر دل و مشبه به، آفتاب بر لب بام است. تشبیه مرکب به مرکب؛ در این نوع تشبیه، مشبه به صورت مرکب و مشبه به هم مرکب است.

دل تهی ز تأثر درون سینه ی ما
به آشیانه مرغ پریده می ماند

(غزل ۲۰۸)

مشبه در این بیت مصراع اول و مشبه به، آشیانه مرغ پریده است.

با توجه به بررسی های انجام شده تشبیه مرکب به مفرد در غزلیات امیری فیروز کوهی وجود ندارد و تشبیه از نظر تعدد طرفین به چهار گروه تقسیم می شود:

خواهی که تیرگی رود از دل به گریه کوش
غیر از سحاب کس شناسد غبار را

(غزل ۱۰)

مشبه: تیرگی، گریه مشبه به: غبار، سحاب شاعر در این بیت تیرگی را به غبار و گریه کردن را به بارش باران از ابر تشبیه کرده است. که تشبیه ملفوف مشوش است.

نمونه تشبیه مفروق در غزلیات امیری در بیت زیر هویداست:

بس که حرمان دیده ام هر خار پیش من گلی است
هر قفس چون بوستانی هر زغن چون بلبلی است

(غزل ۱۱۱)

مشبه: خار، قفس، زغن
مشبه به: گل، بوستان، بلبل
تشبیه جمع مانند:
کار دنیا به مثل پیری و مرگ است درست
منتظر باش پس از رفتن بد بدتر را

(غزل ۱۲)

مشبه: کار دنیا
مشبه به: پیری، مرگ
در غزلیات امیری بر اساس جست و جوهای انجام شده تشبیه تسویه وجود ندارد.

وجه شبه تخیلی:
دائم ز اضطراب دل بی قرار خویش
دارم سپندوار شرر در کنار خویش

(غزل ۲۵۲)

وجه شبه: شرر در کنار داشتن
تشبیه مفصل مانند:

پیوسته چون ریگ روان حیرانم از سرگشتگی
جسمم بدین سو می کشد جانم بدان سو می برد

(غزل ۳۷۵)

وجه شبه: سرگشته و حیران بودن
در غزلیات امیری فیروز کوهی به ندرت تشبیه تمثیل وجود دارد:

دزد را همپایه هیزانند و همدم ناکسان
هر کسی از سنخ طبع خویش جوید بار را
(غزل ۹)

تشبیه بلیغ مانند:

طایر گلشن قدسم ولی از دام وجود
قفس خاک بود عرصه ی پرواز مرا

(غزل ۴۵)

به سیر باغ چه خوانی درین بهار مرا
گیاه سوخته ام باچمن چه کار مرا

تلمیح در تشبیه

گرچه پیریم ولی قصه ی طفلی شنویم
تا از آن گم شده بویی برساند ما را

(غزل ۴)

بیر اشاره به حضرت یعقوب و گم شده اشاره به حضرت یوسف است.

استعاره

و اینسک نمونه هایی از استعارات در غزلیات امیری فیروز کوهی می آید:

ما به هردم بی قرار عشقبازی چون دلیم
گر مهی دستی برافشانند سرافشانیم ما

(غزل ۶۶)

در مصراع دوم مه «مشبه به»، استعاره مصرحه مجرده از معشوق زیباست که به ماه تشبیه شده است و دست و سر

برافشاندن از ملائمت مشبه، (معشوق) است.
به دامان گلی ننشست اشکم
فزون تر بوده قدر شبنم از من

(غزل ۴۰۳)

گل (مشبه به) استعاره مصرحه مجرده از معشوق زیبا
(مشبه) است. دامن داشتن از ملائمت مشبه (معشوق)
است. در غزلیات امیری تعداد استعاره مرشحه بیشتر از
استعاره مجرده است. مانند:

در این گلشن که از وی گل به دامان می برد هر خس
من از خواری بدین شادم که خاری کرده ام پیدا

(غزل ۳)

گلشن، گل، خس، خار به ترتیب استعاره مصرحه
مرشحه از دنیا، معشوق، انسان بی ارزش، چیز بی ارزش،
«مشبه» و گلشن، گل، خس و خار از ملائمت مشبه به اند.

از بحر اضطراب کناری نیافت دل
این گوهر از محیط به ساحل نمی رود

(غزل ۲۲۷)

گوهر (مشبه به) استعاره مصرحه مرشحه از دل است.
بحر، کنار، محیط و ساحل از ملائمت مشبه به یعنی دل
محسوب می شوند.

در غزلیات امیری با توجه به بررسی های انجام شده
استعاره مصرحه مطلقه وجود ندارد و یکی از کاربردی ترین
صور خیال در غزلیات امیری فیروزکوهی، استعاره مکنیه
یا اضافه استعاری است. مانند:

همزبان من دل عزلت گزین من بس است
چون صفا و راستی دور از مجامع کن مرا

(غزل ۵۰)

«دل» به انسانی تشبیه و از ملائم آن «عزلت گزیدن»
ذکر شده است.

در عضو عضو پیکر من هر رگ کبود
از دست زندگی اثر تازیانه ایست

(غزل ۱۰۲)

«زندگی» به انسانی تشبیه و از ملائم آن «دست» ذکر
شده است.

کنایه

صاحب نظران ادبی نوشته اند کنایه از بایسته (لازم) به
بایا (ملزوم) رسیدن است. در غزلیات امیری فیروزکوهی نیز
مصادیق فراوان کنایه از فعل وجود دارد. مانند:

باد افکنده در پروت از کبر
کم نه دعوی به مکر و ترفند است

(ص ۱)

باد در پروت افکندن: مغرور شدن
نیست جز یأس به هر خواهش و هر کار امیر
هیچ اگر چشم امیدی به کسی هست مرا

(غزل ۲۲)

چشم داشتن: انتظار داشتن

آب گشتم چو حباب از غم بی تابی خویش
که تهی از تپش دل، نفسی نیست مرا
(غزل ۳۰)

آب گشتم: خجالت کشیدن
کنایه از موصوف بعد از کنایه از فعل بیشترین کاربرد را
در غزلیات امیری دارد. مانند:

به غیر ما که ز بی برگی از گنه رستیم
کسی نبود توانا ز ناتوانی خویش

(غزل ۴۸۹)

بی برگی: فقر
از سر پر شور روزگار جوانی
یک سر موهم به یادگار ندارم

(غزل ۳۰۴)

سر مو: مقدار اندک
کنایه از صفت مانند:
راند آن را که سست ارکانست
ماند آن را که سخت پیوند است

سست ارکان: بی دین
کدامین وقت نشناس از حساب عمر و سرمستی
به جای وقت دائم ساخت این امروز و فردا را

(غزل ۷)

وقت نشناس: بی نظم

چنان چه در آغاز اشاره شد، این ها نمونه هایی از
تشبیهات، استعارات و کنایات در غزلیات امیری اند تا
گوشه ای از صور خیال در غزلیات این شاعر معاصر نشان
داده شود حال آن که در شعر امیری فیروزکوهی صور خیال
بیشتر از اشیا بی جان هستند. مانند:

چو خار بادیه سرسبز روی زرد خودم
به چهره رنگی اگر هست از بهارم نیست

- تشبیه عقلی به حسی در غزلیات امیری فیروزکوهی
طیف وسیعی از انواع تشبیهات را تشکیل می دهد.

منابع:

- ۱- امیری فیروزکوهی، ک.، ۱۳۶۹، دیوان، چاپ دوم، تهران، انتشارات سخن، جلد اول.
- ۲- امیری فیروزکوهی، ک.، ۱۳۷۱، «در حق صائب» صائب و سبک هندی به کوشش رسول دریاگشت، چاپ اول، تهران، نشر قطره.
- ۳- ثروتیان، ب.، ۱۳۸۳، فن بیان در آفرینش خیال، تهران، امیرکبیر.
- ۴- چنگیزیان، ف.، ۱۳۸۴، زندگی نامه مشهورترین شاعران ایران (از آغاز تا کنون) به انضمام گزیده اشعار، قم، انتشارات سرچشمه پاکان.
- ۵- خانلری، ز.، ۱۳۴۵، نمونه غزل فارسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۶- دبیر سیاقی، م.، ۳۵۱، پیشاهنگان شعر فارسی، چاپ چهارم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۷- دهخدا، ع.ا.، ۱۳۷۳، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

از آنجا که امیری در تشبیهات
خود، بنا را بر محسوس ساختن
حالات و عواطف روحی
گذارده از تشبیه حسی به عقلی
بسیار کم استفاده کرده است.
مانند:

روز و شب بر من چو
عمری بر جمادی بگذرد
چون جماد است آن
که عمرش بی مرادی بگذرد

